نقد مواضع اخیر عیسی کلانتری در گفت و گو با «ایران»

کاهش سطح کشاورزی تنها راه نجات دریاچه ارومیه است

یادداشت

حنیف رضا گلزار- کارشناس محیط زیست/ گفت‌وگوی «ایران» با «عیسی کلانتری» واکنش‌های مختلفی از سوی کارشناسان حوزه منابع آبی و محیط زیست در پی داشت. حنیف رضا گلزار، کارشناس ارشد خاک و آب و کنشگر محیط زیست و منابع طبیعی، در نقد گفت‌وگوی عیسی کلانتری با «ایران»، مواردی را مطرح می کند و می گوید تنها یک راه برای نجات دریاچه ارومیه وجود دارد«کاهش سطح کشاورزی در منطقه به حدود ۱۹۰ تا حداکثر ۲۰۰ هزار هکتار.»

او دراین یادداشت می‌نویسد آقای عیسی کلانتری که با سابقه‌ای ۲۵ ساله در حوزه‌های مختلف مدیریت کلان کشور، مسئولیت‌های مهمی را برعهده داشته اند— از جمله چندین دوره وزارت جهاد کشاورزی و نیز چهار سال ریاست سازمان حفاظت محیط زیست— در طول دوره مسئولیت خود در حوزه محیط زیست، اقداماتی را در پیش گرفتند که تأثیرات قابل توجهی بر منابع آبی کشور برجای گذاشته است.

ایشان تئوری‌پردازی‌ها و نظریه‌سازی‌هایی در حوزه آب ارائه دادند که بازتاب‌های آن تا سال‌های آینده گریبان کشور را خواهد گرفت و پیامدهای زیانبار آن بر محیط زیست و منابع طبیعی و منابع مالی کشور جبران‌ناپذیر خواهد بود. برای مثال، ایشان برای اولین بار نظریه‌ای را مطرح کردند که منابع آب شیرین رودخانه‌هایی که به دریاچه خزر (کاسپین) می‌ریزند، در واقع هدر می‌روند. در همان دوران، موجی از سوی شرکت‌های پیمانکار و نمایندگان مجلس برای گسترش سدسازی روی سرشاخه‌های رودخانه‌های منتهی به دریاچه کاسپین در استان‌های شمالی ایجاد شد، با هدف انتقال این منابع آبی به استان‌های جنوبی البرز، یعنی استان‌هایی مانند سمنان، تهران، البرز، قزوین و زنجان. ایشان با پیاده‌سازی ایده‌ها و اتخاذ تصمیمات خود، تأثیرات جبران‌ناپذیر و پرهزینه‌ای بر جای گذاشتند. به‌عنوان نمونه، در زمینه صدور مجوز برای طرح شیرین‌سازی و انتقال آب کاسپین به استان سمنان و فلات مرکزی، رویکردی بسیار قاطع‌تر و پیگیرانه‌تر حتی در مقایسه با وزارت نیرو و پیمانکاران این ابرپروژه در پیش گرفتند. این رویکرد در نهایت به ایجاد بستری انجامید که پیامدهای نامطلوبی برای محیط زیست و ساختار مدیریت منابع آب کشور در پی داشت.

اکنون، همان فرد از رسانه‌های مختلف و تریبون‌های گوناگون برای بیان دیدگاه‌های انتقادی و مصلحانه خود استفاده می‌کند و عمدتاً به تبیین چالش‌ها و مشکلات موجود می‌پردازد. هرچند یادآوری مشکلات می‌تواند حائز اهمیت باشد، اما صرف اشاره به معضلات به‌تنهایی نمی‌تواند راهگشای خروج کشور از بحران‌های پیش‌رو باشد، بویژه هنگامی که سهم بانی این چالش‌ها نادیده گرفته شود.

تأکید صرف بر مشکلات و چالش‌ها، به خودی خود نمی‌تواند کشور را از شرایط بحرانی فعلی نجات دهد، بویژه زمانی که نقش مستقیم تصمیمات و اقدامات گذشته ایشان در شکل‌گیری این وضعیت قابل توجه بوده است.

در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که هدف نهایی ایشان از این بیانات چیست؟ مخاطبان اصلی این پیام‌ها و سخنرانی‌ها چه گروه‌ها یا نهادهایی هستند؟ و این انتقادات به طور مشخص متوجه چه شخص یا نهادهایی است؟

در طول چهار سالی که ایشان مسئولیت ریاست و دبیری ستاد احیای دریاچه ارومیه را بر عهده داشتند، بودجه‌ای بالغ بر ۳۰ هزار میلیارد تومان در اختیار ستاد احیای دریاچه ارومیه قرار گرفت که تنها بخش جزئی از آن، معادل ۱۰ هزار دلار، از سوی دولت ژاپن تأمین شده بود. در این دوره، ستادی متشکل از حدود ۵۰۰ نفر از متخصصان و دانشمندان داخلی و خارجی تشکیل شد و دولت نیز اختیارات گسترده و منابع مالی قابل توجهی را در اختیار تیم تحت رهبری ایشان قرار داد. با توجه به این امکانات و اختیارات، این پرسش مطرح می‌شود که این حجم از منابع مالی چه نتایج ملموسی در راستای احیای دریاچه ارومیه حاصل شد؟ با وجود برخورداری از چنین پشتوانه کارشناسی و مالی، چه عواملی مانع از تحقق اهداف احیای دریاچه ارومیه شد؟ اما در شرایط کنونی، با رویکردی که حاکی از انتقال مسئولیت است، عنوان می‌شود: «فلان شخص مقصر بود، استاندار مقصر بود، نمایندگان مجلس مقصر بودند، این نهاد مقصر بود، آن سازمان مقصر بود و مانع از انجام کارها شدند.» همه اینها درست ولی ایشان و آن تیم پانصد نفره چکاره بودند؟

با توجه به اینکه ایشان در آن مقطع معاون رئیس‌جمهوری و دبیر این ستاد بودند، این انتظار وجود داشت که پیگیری لازم را برای رفع موانع انجام می‌دادند. اصلاً فلسفه تشکیل ستاد همین بود. مگر ستاد تشکیل‌شده، یک ستاد ملی نبود؟ در همان دوره‌ای که این ستاد ملی فعال بود (پیش از ادغام آن در ساختار دولت سیزدهم)، چه دستاوردهای عملیاتی و ملموسی محقق شد؟ نتیجه اختصاص چنین حجم عظیمی از بودجه چه بود؟ این پرسش همچنان بی‌پاسخ مانده که این منابع مالی کلان در نهایت به چه نتایج مشخصی منجر شد. در نهایت، به جای ارائه گزارش شفاف و پاسخگویی دقیق، شاهد تمرکز بر توجیه وضعیت موجود بوده‌ایم.

> ارائه آدرس‌های نادرست در خصوص واگذاری مسئولیت‌ها به یک دانشگاه—چه از ترکیه باشد یا از سیستان و بلوچستان—هیچ‌یک راهکاری برای خروج از بحران دریاچه ارومیه نیست. تنها راه‌حل واقعی، کاهش سطح کشاورزی در منطقه به حدود ۱۹۰ تا حداکثر ۲۰۰ هزار هکتار، مطابق با شرایط پنجاه سال پیش، و همچنین باز کردن دریچه‌های سدهاست

یک مشاهده عینی

بنده خودم دو سال پیش، در یک بازه زمانی نه ماهه، سه بار به حوزه دریاچه ارومیه سفر کردم. در این سفرها با بسیاری از مردم منطقه صحبت کردم و همچنین با کارشناسان محلی که برخی از آنها اکنون مسئولیت‌های دولتی دارند و به دلایلی نمی‌توانند همه مسائل را به‌طور آشکار بیان کنند، گفت‌وگو داشتم. یکی از این کارشناسان برایم تعریف می‌کرد: «یک روز ما را صدا زدند و گفتند بیایید در فلان نقطه حاشیه دریاچه. وقتی رسیدیم، دیدیم دو کانتینر یخچال‌دار از تهران نهال آورده‌اند - نهال‌هایی از گونه‌های گیاهی که به اصطلاح «مقاوم به شوری» بودند!- یعنی قرار بود این نهال‌ها را دور دریاچه بکارند تا از طوفان نمک جلوگیری شود. نهال‌ها از تهران با کانتینر یخچال‌دار منتقل شدند، اما در خاک شور و زیر آفتاب داغ دریاچه کاشته شدند.

واضح است که هیچ‌کدام از این نهال‌ها به سرانجام نرسیدند. اگر امروز اطراف دریاچه را بگردید، هیچ نشانی از آنها پیدا نمی‌کنید.» این مورد، تنها نمونه‌ای از چالش‌های تخصیص منابع و مدیریت در ستاد احیا محسوب می‌شود. در واقع، این سرمایه‌گذاری‌ها به شکل متمرکز و بدون بازخورد مؤثر، صرف فعالیت‌هایی شد که در نهایت، دستاورد محسوسی برای احیای دریاچه ارومیه و بهبود شرایط زندگی مردم منطقه به همراه نداشت.

آخرین راه گریز

ارائه آدرس‌های نادرست در خصوص واگذاری مسئولیت‌ها به یک دانشگاه—چه از ترکیه باشد یا از سیستان و بلوچستان—هیچ‌یک راهکاری برای خروج از بحران دریاچه ارومیه نیست. تنها راه‌حل واقعی، همان‌گونه که خود ایشان نیز اشاره کرده‌اند، کاهش سطح کشاورزی در منطقه به حدود ۱۹۰ تا حداکثر ۲۰۰ هزار هکتار، مطابق با شرایط پنجاه سال پیش، و همچنین باز کردن دریچه‌های سدهاست. با این حال، با توجه به وضعیت موجود و ساختار مدیریتی کشور - که در آن هماهنگی لازم میان بخش‌های مختلف به‌خوبی شکل نگرفته و هر گروه یا نهاد بیشتر بر اولویت‌های خود تمرکز دارد - نمایندگان مجلس، استانداران و حتی کشاورزان و مردم منطقه نیز گاه مسیرهای متفاوتی را دنبال می‌کنند. در چنین شرایطی، تحقق احیای دریاچه با دشواری‌های جدی روبه‌رو خواهد بود. به نظر من، یا باید تصمیمی جدی اتخاذ شود برای کاهش دست کم ۴۰۰ هزار هکتاری اراضی کشاورزی حوضه آبریز دریاچه ارومیه یا اینکه باید یک فاتحه بلند برای دریاچه بخوانیم و پرونده آن را برای همیشه ببندیم و البته تبعات آن را هم به گردن بگیریم.

واقعیت این است که راه دیگری نداریم. چه معنایی دارد که آذربایجان غربی ۳۰ درصد چغندرقند کشور را به تنهایی تولید کند و مقامات محلی از آن به‌عنوان یک افتخار نام ببرند و در رسانه‌ها هم منعکس کنند؟ چه معنایی دارد که بخشی از چغندرقند کارخانجات قند و شکر کشور از حوضه آبریز دریاچه ارومیه تأمین شود؟ چه معنایی دارد صدها هزار تن سیب سردرختی در منطقه تولید شود با اینکه بازاری ندارد؟ از ستاد احیای دریاچه انتظار می‌رفت که به جای تمرکز صرف بر گزارش‌دهی روزانه تراز آب، این مسائل اساسی و زیرساختی را ساماندهی و مدیریت کند.

متأسفانه نه تنها این اقدامات اساسی محقق نشد، بلکه اکنون ریاست وقت این ستاد به جای نقش مدیریتی، در جایگاه یک منتقد و طلبکار ظاهر شده و پیوسته به اعلام هشدار و اخطار می‌پردازند. این پرسش مطرح است که وقتی ستاد متولی خود نتوانسته اقدام مؤثری را به سرانجام برساند، چرا باید به طور مداوم دیگران را مورد هشدار و سؤال قرار دهد؟

● روزنامه ایران آمادگی دارد یکبار دیگر میزبان عیسی کلانتری برای پاسخ به سؤالات مطرح شده توسط کارشناسان باشد

بودجه احیای دریاچه ارومیه به توسعه کشاورزی ختم شد

برش

بهنام اندیک، پژوهشگر حوزه هیدروپلیتیک، در واکنش به گفت‌وگوی اخیر عیسی کلانتری با «ایران»، دو نکته مهم را مورد تأکید قرار داد که قابل توجه برای سیاست‌گذاران و عموم مردم است.

اولین نکته مربوط به هزینه‌های انجام‌شده در قالب طرح احیای دریاچه ارومیه است. به گفته اندیک، حدود ۵۵۰ میلیون دلار برای این طرح اختصاص یافته است؛ اما بررسی عملکرد نشان می‌دهد که این منابع بیشتر صرف توسعه کشاورزی در منطقه شده و عملاً دستاورد ملموسی در راستای احیای واقعی دریاچه ایجاد نشده است.

نکته دوم به بودجه تخصیصی و مدیریت آن مربوط می‌شود. اقای کلانتری در مصاحبه خود مدعی شده است که ۸۳ درصد از بودجه اختصاص یافته به احیای دریاچه، توسط وزارت نیرو دریافت شده است. اندیک دراین‌باره خاطرنشان می‌کند که «این امر نشان می‌دهد نهادی که خود بخشی از مسأله و عامل سدسازی و کاهش جریان آب بوده، در عین حال مسئولیت دریافت منابع مالی برای حل همان مشکل را نیز برعهده داشته است.»

به گفته اندیک، این دو نکته بار دیگر اهمیت شفافیت، پاسخ‌گویی و مدیریت بهینه منابع در پروژه‌های محیط زیستی را برجسته می‌کند و ضرورت بازنگری در ساختارها و نظارت‌ها را نشان می‌دهد تا منابع مالی صرف اهداف واقعی احیای محیط زیست شود.

اصفهان، کرمان، همدان، زنجان و هرمزگان هم مقصد سفرهای تابستانی شدند

توازن بخشی به سفرها با جشنواره های محلی

گزارش

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست‌بوم

با توجه به افزایش چندباره تعطیلات تابستانی به دلیل محدودیت‌های انرژی و هجوم معمول مسافران به مناطق شمالی کشور، معاونت گردشگری و میراث فرهنگی با برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای محلی، موفق شد جریان سفرها را تا حدی متوازن کند. سید مصطفی فاطمی، مدیرکل توسعه گردشگری داخلی می‌گوید استان‌های اصفهان و کرمان بیشترین بازخورد را از این اقدام دریافت کردند و سایر استان‌ها نیز با بهره‌گیری از ظرفیت فرهنگ بومی، سهم قابل توجهی از گردشگران را جذب کردند.

چالش همیشگی

سید مصطفی فاطمی، مدیرکل توسعه گردشگری داخلی با اشاره به دستاوردهای مدیریت مقاصد گردشگری در سال جاری گفت: «استان‌های اصفهان و هرمزگان و شهر بندرعباس از جمله مقاصد اصلی سفرهای تابستانی امسال بودند.» وی افزود: «یکی از چالش‌های جدی ما در این فصل، تعدد تعطیلات در پایان شهریور و هجوم گسترده سفرها به مناطق شمالی کشور بود.» فاطمی در توضیح راهکارهای مدیریتی اتخاذ شده اظهار کرد: «معمولاً در چنین مقاطعی از چند شیوه بهره می‌بریم. اول، ساماندهی تعطیلات و ارائه پیشنهاد جابه‌جایی برخی از آنها به دولت است. روش دیگر، تمرکز بر گردشگران خارجی و معرفی مقاصد خلوت به‌عنوان جایگزین مقاصد شلوغ است. همچنین در برخی موارد از طریق برگزاری رویدادها و ارائه توصیه‌های سفر اقدام می‌کنیم.» او با اشاره به محدودیت‌های ایجادشده در تعطیلات تابستان خاطرنشان کرد: «متأسفانه نتوانستیم از ظرفیت کامل استفاده کنیم، از این‌رو تمرکز اصلی خود را بر برگزاری رویدادها قرار دادیم. خوشبختانه این رویکرد با حمایت وزارتخانه و شخص وزیر و همچنین همراهی سایر بخش‌ها، نتایج مطلوبی به همراه داشت.»

فاطمی تصریح کرد: «در این چهارچوب، برگزاری رویدادها را در شهرهایی که کمتر مورد توجه مسافران بودند متمرکز کردیم و در شهرهای پرمسافر، حداقل رویداد را برگزار نمودیم. نتیجه این سیاست آن بود که طی دو هفته بیش از ۳۰۰ رویداد در سراسر کشور برگزار شد که بیشترین آنها در شهرهای اصفهان و کرمان بود و خروجی حاصل بسیار رضایت‌بخش ارزیابی شد.»

وی با اشاره به نقش مؤثر برگزاری رویدادها در توزیع متوازن گردشگران اظهار کرد: «علاوه بر اصفهان و کرمان، سایر استان‌ها همچون همدان، زنجان، خراسان شمالی، سمنان و هرمزگان نیز با میزبانی رویدادهای متعدد توانستند بخشی از مسافران را به سمت خود جذب کنند. به‌طور مشخص، استان فارس نیز با برنامه‌های متنوع سهم قابل‌توجهی در پذیرش گردشگران ایفا کرد.»

فاطمی افزود: «اگرچه شمال ایران همچنان با تراکم بالای مسافر مواجه بود، اما به‌واسطه تمهیدات پیش‌بینی‌شده، شرایط به مرحله بحرانی نرسید. این در حالی است که تعداد تعطیلات و میزان سفرها نسبت به سال گذشته افزایش چشمگیری داشت.» مدیرکل توسعه گردشگری داخلی در تحلیل عوامل تعادل‌بخش بازار سفر گفت: «آنچه در این دوره رخ داد، تحقق «توزیع مناسب سفر» بود. از یک‌سو، سفرهای زیارتی به مشهد مقدس با رشد قابل‌توجهی همراه شد و از سوی دیگر، استان‌هایی که پیش‌تر کمتر مورد توجه قرار می‌گرفتند، توانستند با اتکا به برگزاری رویدادهای متنوع، خود را به‌عنوان مقاصد جذاب معرفی کنند.» او با اشاره به موفقیت استان‌های اصفهان و کرمان افزود: «اصفهان در کنار کرمان یکی از موفق‌ترین استان‌ها بود که با برنامه‌ریزی دقیق و جریان‌سازی مناسب، میزبان رویدادهای متنوع شد. در اصفهان ۹۰ رویداد مختلف برگزار شد و تمامی شهرهای این استان میزبان جشنواره‌های گوناگون بودند. برنامه‌های کرمان نیز کماکان ادامه دارد.»

فاطمی ادامه داد: «این رویدادها تا پانزدهم مهرماه در این دو استان ادامه خواهد داشت. تنوع رویدادها بسیار گسترده است؛ از جمله جشنواره حلواپزان و گلباران خورشید در آران و بیدگل، جشنواره گل و عسل در خمینی‌شهر، جشنواره سرزمین گل و آل طاها در کاشان، جشنواره میراث ماندگار در اصفهان، جشنواره قصه شن و باد در نطنز، جشنواره سایه‌سار بال‌ها در گلپایگان، جشن گردو و زالزالک در گلپایگان و جشن باغ بزرگ در لنجان.»

سال ۱۴۰۵ سال سفر به کرمان

وی به تشریح رویدادهای استان کرمان پرداخت و گفت: «استان کرمان نیز با برگزاری تعداد زیادی جشنواره، از جمله جشنواره تابستانی کرمان، جشنواره پسته رفسنجان و جشنواره پاییز کرمان، عملکرد بسیار موفقی داشت. در قالب این برنامه‌ها، ۱۰ جشنواره در ۱۰ شهرستان استان و همچنین ۱۳۰ برنامه فاخر برگزار شد. استان کرمان با طرح «لبخند دنیا» در حال آماده‌سازی خود برای سال ۱۴۰۵ است، به‌طوری که استاندار این سال را «سال سفر به کرمان» نامگذاری کرده است. علاوه بر این، سه جشنواره شعر، موسیقی و تئاتر روستا نیز در مهرماه برگزار خواهد شد.» استان همدان نیز با برگزاری رویدادهای متنوع توانست بخشی از مسافران را به سمت خود جذب کند. این اقدام در کنار سایر استان‌ها نشان داد که مدیریت مناسبی برای سوق دادن گردشگران از مناطق همیشگی، بویژه شمال کشور، به شهرهایی که معمولاً کمتر مورد توجه قرار می‌گرفتند، صورت گرفته است. این تجربه ثابت کرد که برگزاری رویدادها نقش مؤثری در مدیریت مقاصد و تغییر جهت جریان سفرها دارد. فاطمی با اشاره به نگرانی‌های اولیه گفت: «اجرای رویدادها مستلزم هزینه است و ممکن بود نتیجه مطلوب ندهد، اما استقبال گسترده مردم در شهرهای مختلف نشان داد این سیاست موفق بوده است. در این مدت رکورد تعداد رویدادهای گردشگری کشور شکسته شد و تنها در دو هفته بیش از ۳۰۰ رویداد برگزار شد.» وی افزود: «تمرکز اصلی این رویدادها بر استفاده از ظرفیت‌های فرهنگ بومی هر منطقه بود.

در مهرماه نیز جشن‌های برداشت محصول که در سنت ایرانیان باستان بویژه در قالب جشن مهرگان جایگاه ویژه‌ای دارد، همچنان برگزار می‌شود. جشن مهرگان به‌عنوان میراث معنوی در فهرست جهانی ثبت شده و در بسیاری از استان‌ها مراسم برداشت و شکرگزاری محصولات کشاورزی با رویکرد فرهنگی و اصالت‌های محلی برگزار می‌شود.»

> برگزاری رویدادها را در شهرهایی که کمتر مورد توجه مسافران بودند متمرکز کردیم و در شهرهای پرمسافر، حداقل رویداد را برگزار نمودیم. نتیجه این سیاست آن بود که طی دو هفته بیش از ۳۰۰ رویداد در سراسر کشور برگزار شد که بیشترین آنها در شهرهای اصفهان و کرمان بود و خروجی حاصل بسیار رضایت‌بخش ارزیابی شد

شمال کم نیاورد

فاطمی یکی از دلایل موفقیت سیاست توزیع سفر را اینچنین تشریح کرد: «در ایام پایانی تابستان، برخلاف سال‌های گذشته، اقامتگاه‌های شمال کشور با کمبود مواجه نشدند. بسیاری از شهرهایی که پیش‌تر بدون رویداد و مسافر باقی می‌ماندند، امسال وضعیت مطلوبی داشتند و حتی در برخی از آنها ضریب اشغال اقامتگاه‌ها به صد درصد رسید. به این ترتیب، شهرهایی که تاکنون مقصد تابستانی محسوب نمی‌شدند، توانستند سهمی در جذب گردشگران داشته باشند.»

وی افزود: «این رویدادها نه تنها موجب جابه‌جایی گردشگران میان شهرها شد، بلکه گردشگران خارجی نیز علی‌رغم کاهش معمول سفرها، حضور یافتند. عمدتاً این گردشگران از کشورهای همسایه بودند که برای سفرهای زیارتی وارد ایران شده و از جشنواره‌ها استقبال کردند. با این حال، بخش عمده مسافران از شهرهای مجاور استان‌ها و بویژه از تهران و البرز بودند. بر اساس گزارش‌ها، تهران بیشترین سهم را در اعزام گردشگر داشت و پس از آن استان البرز و استان‌های همجوار در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.»

آمار نهایی سفرهای پایان شهریور در دست گردآوری است و پس از سی‌ام شهریور و اولین روز مهرماه به‌طور رسمی اعلام خواهد شد. شواهد نشان می‌دهد که امسال تمامی شهرهایی که میزبان رویدادها بودند، با استقبال گسترده و حضور گردشگران از نقاط مختلف کشور مواجه بوده‌اند.

عکس‌ها: میراث آریا